

دلایل استمرار منازعه میان ایران و عربستان در بحران بحرین
مه‌دی هدایتی^۱ - دانیال رضاپور^۲ - مریم قاضیانی^۳
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۲۳

چکیده:

بحرین یکی از کشورهایی است که تحت تاثیر شرایط نامساعد داخلی در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و همچنین تحت فشار تحولات رخ داده مرسوم به بیداری اسلامی (بهار عربی) در منطقه غرب آسیا است. با این وجود، ایران و عربستان با توجه به اهداف، منافع و ملاحظات خاص و متفاوت خود در قبال تحولات بحرین، رویکردهای فعالانه و متعارضی را در قبال این بحران اتخاذ کرده‌اند. عربستان که تمایلات و توانایی‌های ویژه‌ای دارد برای آنکه از پیامدهای دومینو وار بیداری اسلامی در سرنگونی حاکمان محافظه کار منطقه خلیج فارس جلوگیری کند، تمام کوشش‌های سیاسی و نظامی خود را برای حفظ نظام حاکم در بحرین به کار گرفته است. از این رو سوال اصلی مقاله اینگونه بیان می‌شود: که دلایل تشدید و استمرار تقابل ایران و عربستان بعد از بهار عربی در بحرین چیست؟ فرضیه موقت ما هم با بهره‌گیری از موازنه تهدید اینگونه بیان می‌شود که با توجه به نفوذ ایران در شیعیان بحرین و به خطر افتادن موقعیت ژئوپلیتیک عربستان و بحرین، کشور عربستان خواهان تحکیم روابط خود با خانواده آل خلیفه حتی به رغم سرکوب مخالفت‌های مدنی بحرین می‌باشد. در قسمت اصلی این مقاله بعد از تقسیم‌بندی متغیرهای تهدید ساز رهبری عربستان از سوی ایران، به تبیین درگیری‌های دو کشور در بحرین پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: ایران، عربستان، بحرین، موازنه تهدید، غرب آسیا

^۱ - استادیار و عضو هیئت علمی، علوم سیاسی، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران
Mehdi.hedayati88@gmail.com

^۲ - دانشجوی دکتری، روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران
danyalrezapoor@gmail.com

^۳ - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران
m.ghazyani.ja@gmail.com

مقدمه

غرب آسیا همواره عرصه شکل‌گیری موازنه‌سازی‌ها بوده و شکل‌گیری اتحادها و ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نتیجه این موازنه‌سازی است. چنین وضعیتی، برآیند مجموعه گسترده‌ای از عوامل در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای، ملی و حتی فروملی در این منطقه راهبردی در جهان است. در سطح ملی و منطقه‌ای، عواملی وجود دارد که زمینه‌ساز قطب‌بندی کشورهای منطقه و تقارن آنها با منافع کشورهای فرامنطقه‌ای و در نتیجه، شکل‌گیری اتحادها و ائتلاف‌ها می‌شود. علاوه بر این نحوه عمل بازیگران این منطقه به گونه‌ای است که این منطقه را به محل تلاقی نیروهای متضاد بدل ساخته است، زیرا کشورهای غرب آسیا دچار گسل‌های متعدد قومی، نژادی، مذهبی و زبانی می‌باشند. از این رو همواره به طور بالقوه امکان تنش‌زایی و واگرایی در روابط بینا بین این کشورها وجود دارد. (سیفی و پور حسن، ۱۳۹۵: ۳-۵) جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی به دلایل زیادی از جمله وسعت، جمعیت و موقعیت ژئوپلیتیکی خویش، همواره به صورت بالقوه از مهم‌ترین کشورهای این منطقه بوده‌اند؛ دو کشوری که داعیه رهبری جهان اسلام را عهده دار می‌باشند، اما نوع نظام سیاسی این دو کاملاً متفاوت است. نظام برآمده از پی‌انقلاب اسلامی به عنوان نظامی تجدیدنظرطلب در مناسبات جهانی در نقطه مقابل نظام محافظه‌کار پادشاهی عربستان سعودی قرار می‌گیرد. "اسلام سلفی" به رهبری عربستان و "اسلام انقلابی" به رهبری جمهوری اسلامی ایران دو گفتمان عمده منطقه اسلامی هستند که در حال رقابت برای ارائه الگو به سایر کشورها می‌باشند. ایدئولوژی سیاسی این دو کشور به گونه‌ی مقابل هم قرار گرفته است که هر یک ایدئولوژی طرف مقابل را زیر سؤال می‌برد. در عرصه سیاست خارجی نیز جمهوری اسلامی ایران معتقد به عدم دخالت قدرت‌های بزرگ در منطقه است در مقابل عربستان سعودی همواره در جست‌وجوی امنیت منطقه راهبردی خلیج فارس از طریق مشارکت قدرت‌های فرامنطقه‌ای بوده است. (سریع‌القلم، ۱۳۷۴: ۳۰۶)

با این وجود، آغاز بیداری اسلامی در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، جلوه‌ای از رویارویی این دو دولت بوده و تشدید واگرایی‌ها و مناقشات را در سطوح سیاسی و دیپلماتیک به دنبال داشته است. تحولات بحرین هم مبین عمق تمایزات سیاسی و حاکی از افتراق‌های ایدئولوژیک بین جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی است. ایران درصدد ایجاد تغییرات در ساختارهای

موجود در منطقه از طریق حمایت‌های مادی و معنوی از جنبش‌های اسلامی و تحرکات ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی است. عربستان سعودی هم به روش‌های گوناگون در پی بقای رژیم-های نزدیک به خود و یا حفظ نظم مطلوب و احیاناً حذف جریان‌های مخالف است. (سیفتسیک و همکاران، ۲۰۱۵)^۱ از این رو سوال اصلی مقاله اینگونه بیان می‌شود: دلایل تشدید و استمرار تقابل ایران و عربستان بعد از بهار عربی در بحرین چیست؟ فرضیه ما هم اینگونه بیان می‌شود که با توجه به نفوذ ایران در شیعیان بحرین و به خطر افتادن موقعیت ژئوپلیتیک عربستان و بحرین، کشور عربستان خواهان تحکیم روابط خود با خانواده آل خلیفه حتی به رغم سرکوب مخالفت‌های مدنی بحرین می‌باشد. از این رو بعد از اشاره‌ای به پیشینه پژوهش، چارچوب نظری پژوهش (موازنه تهدید) مورد بررسی قرار می‌گیرد و در قسمت اصلی این مقاله بعد از تقسیم بندی متغیرهای تهدید ساز رهبری عربستان از سوی ایران، به تبیین درگیری‌های دو کشور در بحرین پرداخته می‌شود.

گوسانسکی (۲۰۱۵) در مقاله **ابزارهای هوشمند سیاست خارجی: رویکرد استراتژیک در خلیج فارس** معتقد است: تحولات اخیر در غرب آسیا به صورت هوشمند برگرفته از رقابت بلوک‌های قدرتمند کشورهای منطقه است و تنها راه بیرون رفتن از بن بست بوجود آمده را تغییر ساختارهای کشور و باز تعریف منافع کشورهای قدرتمند منطقه و استفاده هدفمند از قدرت هوشمند بیان می‌کند. (سیفی و پور حسن، ۱۳۹۵) در مقاله **موازنه همه جانبه و ائتلاف سازی عربستان در قبال ج.ا. ایران** بیان می‌کنند که ریشه واقعی ائتلاف سازی‌های عربستان از شکل گیری شورای همکاری خلیج فارس تا ائتلاف حمایت از عملیات "طوفان قاطعیت" علیه تحولات یمن در سال ۲۰۱۵ علیه جمهوری اسلامی، **موازنه همه جانبه** است که منشاء آن، به بحران-های داخلی این کشور برمی‌گردد. خضری و دیگران (۱۳۹۴) در مقاله **ریشه یابی منازعات ایران و عربستان** معتقدند که ماهیت منازعه‌ی منطقه‌ای ایران و عربستان ریشه در ملاحظات ایدئولوژیک ناشی از حاکمیت نظام عقاید و عناصر فکری-ارزشی ناهمسو دارد که رهیافت‌های کشمکش‌زا و شکاف آفرینی را در مناسبات منطقه‌ای ایران و عربستان رقم زده است.

¹ - Ciftic et all

چارچوب نظری

عدم تحقق فرضیه موازنه قوا علیه آمریکا پس از جنگ سرد، استفان والت را به سوی جابجایی نقطه تمرکز واقع‌گرایی از موازنه قدرت به موازنه تهدید کرد. به اعتقاد وی قدرت‌ها در مقابل افزایش قدرت سایرین دست به موازنه نمی‌زنند؛ در مقابل، آنچه باعث می‌شود کشورها به توازن روی آورند، میزان تهدیدی است که درک می‌کنند. (والت^۱، ۱۹۸۷: ۵۰-۱۰۰) از نظر والت، دولت‌ها در مقابل درک تهدید دو نوع سیاست را در پیش می‌گیرند، اول آنکه کشور یا کشورهایی که مورد تهدید واقع شده‌اند به خاطر وجود تهدید و براساس اصل توازن تهدید به توازن دست می‌زنند و یا اینکه کشور و یا کشورهای مورد تهدید سیاست همراهی را در پیش می‌گیرند، یعنی به منظور حفظ بقا و تأمین امنیت خود با طرف تهدید کننده متحد می‌شوند. (والت، ۲۰۰۰) در رابطه با حالت نخست، والت معتقد است در شکل‌گیری یا عدم شکل‌گیری موازنه در برابر قدرت یا قدرت‌های برتر، علاوه بر متغیر قدرت، سه متغیر دیگر نیز تأثیرگذار هستند. او استدلال می‌کند ائتلاف‌های توازن دهنده در قبال تهدید شکل می‌گیرند؛ تهدیداتی که می‌توانند از قدرت، مجاورت، قابلیت‌های تهاجمی و نیت تهاجمی نشأت بگیرند. موارد یاد شده به مثابه متغیرهای مستقلی انگاشته می‌شوند که تغییر در هر یک، دیگر دولت‌ها را به احتمال فراوان به احساس تهدید و اتخاذ اقدامات موازنه‌ای می‌کشاند. (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۱)

والت مدعی است آنچه در روابط میان دولت‌ها حائز اهمیت است برداشت آنها از یکدیگر به عنوان تهدید است نه صرف میزان قدرت هر یک از آنها. دولت‌ها در برابر آن دسته از دولت‌هایی دست به موازنه می‌زنند که تهدیدی فوری نسبت به موجودیت یا منافع آنها باشند. در برابر قدرت تهدیدگر اغلب سیاست موازنه در پیش گرفته می‌شود که به معنای اتحاد دولت‌ها در مقابل دولتی است که آنها را تهدید می‌کند. (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۱۳۵) او با تأکید بر متغیر قدرت توضیح می‌دهد که دولت‌های قدرتمند در اساس برای دیگران تهدید محسوب می‌شوند؛ زیرا نمی‌توان تضمینی در برابر نحوه استفاده آنها از قدرت‌شان داشت. به موازات افزایش قدرت آنها، دیگران در مورد احتمال سو استفاده آنها از قدرت‌شان نگران خواهند شد. (عباسی و دیگران، ۱۳۹۲: ۴) بر این اساس، افزایش قدرت یک دولت به افزایش احساس تهدید از سوی دیگران و

^۱ - walt

اتخاذ اقدامات موازنه‌ای می‌انجامد؛ از این رو وی قدرت را یکی از عوامل موثر در شکل‌گیری موازنه می‌داند ولی نه تنها عامل. دیگر متغیر موثر در ایجاد موازنه از دید والت متغیر مجاورت می‌باشد. وی ظرفیت تهدید زایی را با فاصله جغرافیایی در رابطه معکوس می‌داند. به گونه‌ای که دولت‌های مجاور قادر به ایجاد تهدیدات بزرگ تری هستند. (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۳) از نظر وی کشورها تهدید را هر اندازه که نزدیک‌تر باشد، به شکل بیش‌تر و بهتری درک می‌کنند. به گونه‌ای که هر چه فاصله جغرافیایی دولت‌ها نزدیک‌تر باشد (در نتیجه ترس دولت‌ها نسبت به یکدیگر به واسطه هم‌جواری) نسبت به هم تهدیدزاتر خواهد بود و احتمال اتخاذ اقدامات موازنه‌ای بازیگران بیشتر خواهد شد و هر چه فاصله آنها از یکدیگر بیشتر باشد تهدید زدایی (و ترس) آنها نسبت به یکدیگر کمتر خواهد بود و احتمال اتخاذ اقدامات موازنه‌ای بازیگران کمتر خواهد شد. (عباسی و دیگران، ۱۳۹۲: ۵)

متغیر سوم از دید والت قدرت تهاجمی دولت‌ها می‌باشد. بدین معنی که در صورت ثابت ماندن دیگر متغیرها، دست‌یابی دولت‌ها به توانایی نظامی ویژه یا توانایی سیاسی خاص، مانند ایدئولوژی یا گفتمان دامنه آنها را تهدیدزاتر و ثبات سیاسی و انسجام سرزمینی دولت‌های قدرتمند دیگر را با مخاطره مواجه می‌کند، در نتیجه اگر دولتی با منابع مادی وسیع به چنین توانمندی‌های تهاجمی دست یابد سایر دولت‌ها احتمالاً به موازنه روی خواهند آورد. (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۴) در رابطه با این متغیر باید گفت که بین قدرت تهاجمی و میزان تهدید ارتباط مستقیمی وجود دارد، یعنی هر اندازه میزان توانایی نظامی یک کشور بیش‌تر باشد میزان نگرانی و تهدید دیگر دولت‌ها نسبت به آن به همان میزان افزایش می‌یابد. (جرویس^۱، ۲۰۰۸: ۱۱۰-۱۱۷) از نگاه والت چهارمین متغیر تأثیرگذار در ایجاد موازنه، نیت تهاجمی دولت‌هاست. این متغیر مبین آن است که هر چه از نظر دیگران نیت تهاجمی قدرتی آشکارتر باشد احتمال بیش‌تری وجود دارد که آنها به موازنه روی آورند. منطق حاکم بر این رفتار نیز روشن است؛ زیرا متقاعد و راضی ساختن دولت توسعه طلب مهاجم، دشوار و پرهزینه است و دیگران را به ائتلاف جهت متوقف کردن آن ناگزیز می‌کند. (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۵)

^۱ - jervis

کشورهای غرب آسیا و حاشیه خلیج فارس که در معرض تهدیدات ژئوپولیتیک قرار دارند نیازمند ایجاد "توازن قوا" و گاهی اصل "توازن تهدید" هستند، به این معنا که کشورها بر اساس میزان تهدید سایر بازیگران سعی به کنش‌گری برای تولید و کاربرد قدرت می‌کنند و تا وقتی که آنها احساس تهدید کنند ابزارها و فرایندهای مختلفی را در مواجهه با تهدید به کار می‌گیرند. چگونگی قدرت اکتسابی و میزان نیت تهاجمی آنها به عنوان اصلی‌ترین عناصر تاثیرگذار بر موازنه تهدید تلقی می‌شوند. (علائی، ۱۳۹۱: ۱۶) با این وجود، از عوامل مهم در رویکرد سیاست خارجی یک کشور نسبت به همسایگان خود، سیاست‌ها و اقدام‌های متقابل میان آنهاست. مایکل برچر برخی از این عوامل درگیری را در اختلاف طولانی مدت، نزدیکی جغرافیایی طرفین، بی‌ثباتی داخلی، جلب حمایت یک قدرت بزرگ و عدم تجانس سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی می‌داند. در مجموع برخی محققان عوامل بروز تعارض را در سه دسته تقسیم بندی می‌کنند: ۱. تعارض بر سر منافع ملی که خود الف) شامل پر کردن خلاء قدرت در یک منطقه یا کشور ب) تجدیدنظر طلبی ج) مناقشه برای برتری ۲. تعارضات ایدئولوژیک ۳. رقابت‌های اقتصادی دانست. (ازغندی و علیخانی، ۱۳۹۲: ۲۲۷)

متغیرهای تهدیدزای عربستان سعودی

۱. توانایی کشور ایران در برابر کشور عربستان

کشور ایران و عربستان سعودی دو کشور قدرتمند و تاثیرگذار جهان اسلام و منطقه غرب آسیا و خلیج فارس مطرح بوده و هستند به گونه‌ای که هر کدام بنا به دلایل مشابه و متفاوت نقشی برتر برای خود در روند تحولات منطقه‌ای قائل می‌باشند. در بعد منطقه‌ای، همواره عربستان با حمایت‌های مالی گسترده از کشورهای اسلامی و جنبش‌های اسلامی، در پی بسط حوزه نفوذ خود بوده است و در این راستا ایران را رقیب سرسخت خود می‌داند و بنا به اعتقاد اکثریت کشورهای عربی به ویژه آل سعود ایران می‌تواند با در اختیار داشتن توانایی بومی غنی سازی اورانیوم و افزایش توان موشکی، موازنه‌ای را به نفع خود تغییر دهد و این امر موجب نگرانی و واکنش تند این کشورها شده است. از این رو عربستان همواره از چرخه سوخت هسته‌ای در ایران به خاطر تحولات نادرستش نگران خواهد بود و تلاش دارد با برقراری تعادل هسته‌ای با

ایران از طریق تشویق رقبای منطقه‌ای ایران به یک رقیب هسته‌ای با ایران بپردازد. در واقع عربستان سعی دارد با ارائه اطلاعات نادرست درباره توانایی موشکی ایران در تولید سلاح هسته‌ای و غیر متعارف بر علیه همسایگان و غیر واقعی جلوه دادن نفوذ و دخالت ایران در نا آرامی‌های بحرین و عربستان و یمن نشان دهد که ایران به دنبال نفوذ و به چالش کشیدن جایگاه عربستان در کشورهای خلیج فارس و حوزه خاورمیانه می‌باشد. (موسوی و تلیانی، ۱۳۹۱: ۱۳-۱۴)

۲. مجاورت با شیعیان بحرین و ایران

پیروزی انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک انقلاب شیعی موجب احیای شهامت و قدرت شیعیان محروم جهان از جمله عربستان سعودی و بحرین شد. از آن جایی که نظام سیاسی و علمای مذهبی عربستان و بحرین حاضر به قبول اصل تنوع مذهبی نیستند. شیعیان را به عنوان شهروند درجه دو می‌بینند و عقاید شیعیان از جمله شفاعت و توسل را خرافه می‌شمارند. در واقع شیعیان عربستان، اقلیتی مهم و برجسته به شمار می‌روند که بیشتر آنان در استان شرقی عربستان زندگی می‌کنند. این شیعیان نخست در حیاتی‌ترین منطقه استراتژیک این پادشاهی سکونت دارند، زیرا منطقه‌ای است که بیشترین میدان‌های نفتی کشور از جمله غوار و قطیف بزرگترین حوزه‌های نفتی جهان را در خود جای داده است. (کتاب واقعیت جهانی^۱، ۲۰۱۵) دوم اینکه، از دیدگاه امنیت بین‌المللی و تجارت جهانی، شیعیان استان شرقی نقش موثری در اثبات اقتصادی و سیاسی کشور دارند. سوم اینکه، شیعیان عربستان در منطقه‌ای نزدیک به سه حوزه خلیج فارس، یعنی ایران، عراق و بحرین که اکثریت جمعیت آنان را شیعیان تشکیل می‌دهند، سکونت دارند و این امر همواره باعث نگرانی آل سعود شده است و نهایتاً اینکه، شیعیان به عنوان یک فرقه متمایز به دلیل دیدگاه‌ها، نگرش مذهبی و تبعیض‌های سه‌گانه مذهبی، اقتصادی و سیاسی اپوزیسیون حکومت شده‌اند. (کرمی، ۱۳۹۱: ۳۷۵)

در واقع مجاورت شیعیان با ایران و بحرین اینگونه منطبق عربستان را شکل می‌دهد که روی کار آمدن یک دولت شیعی در بحرین ناشی از دست نشانده‌گی این دولت توسط جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. و این امر عربستان را در مجاورت و همسایگی ایران قرار خواهد داد و لذا به دلیل همسایه شدن با ایران، عمق استراتژیکی‌اش را از دست خواهد داد. از این رو تلاش می‌کند در

¹ - the world fact book

رقابت ژئوپولیتیکی با ایران امکان وقوع چنین تحولی را در منطقه ندهد. باید اذعان کرد تحولات منطقه‌ای در سال‌های اخیر به گونه‌ای رقم خورده است که عربستان از آن وضعیت دومینو گونه‌ای را برداشت می‌کند که در آن واژگون شدن حلقه‌های طرفدار عربستان یکی پس از دیگری در حال رخ دادن است؛ برای نمونه واژگونی صدام و مبارک. (بلاچارد^۱، ۲۰۱۴) و از طرف دیگر عربستان وضعیت برتر متحدان ایران در لبنان مثل حزب الله، برتری حماس نسبت به فتح در فلسطین و... را بر نمی‌تابد، به همین خاطر از تجدید حیات رنگین کمان منطقه‌ای شیعه در ایران، عراق، بحرین و شرق عربستان در خاورمیانه‌ی پسا صدام و پسا مبارک به شدت نگران است. (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۳۷-۱۳۵)

۳. قابلیت‌های تهاجمی کشور عربستان

عربستان از جمله کشورهایی است که می‌توان اهتمام آن در راستای اتحادسازی را با نظریه موازنه تهدید تحلیل کرد. سابقه نقش آفرینی عربستان در موازنه سازی‌ها در منطقه خاورمیانه و به ویژه حوزه خلیج فارس به دهه‌ها قبل باز می‌گردد. این کشور به دلیل ظرفیت‌های مختلف؛ به ویژه در سه حوزه نفت، اماکن مقدس دینی و نیز وهابی‌گری، برای سیاست خارجی خود مسئولیت رهبری در سه سطح منطقه خلیج فارس، جهان عرب و حتی جهان اسلام را تعریف کرده است. عربستان از بدو پیدایش، ساختار سیاسی- دینی متصلبی داشته و به همین دلیل، همواره با بحران‌های داخلی متعددی مواجه بوده است؛ اما این آسیب پذیری داخلی را با مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی پیوند زده و در هر مقطع زمانی، یک تهدید منطقه‌ای و بین-المللی را مبنای موازنه سازی خود قرار داده است. (سیفی و پور حسن، ۱۳۹۵: ۷) گذار از شورای همکاری به اتحادیه خلیج فارس نیز در این راستا قابل ارزیابی است. طرح تشکیل اتحادیه خلیج فارس، نخستین بار در اجلاس شورای همکاری خلیج فارس در دسامبر ۲۰۱۱ توسط عربستان مطرح شد. در طرح ارتقای سطح شورای همکاری به اتحادهای امنیتی و اقتصادی و سیاسی، علاوه بر شش کشور عضو شورا (کویت، امارات، قطر، عربستان، بحرین و عمان) پیوستن مغرب و اردن نیز در نظر گرفته شده است. به نظر می‌رسد نگرانی از بسط انقلاب‌های ناشی از تحولات اخیر به کشورهای غیردموکراتیک حوزه خلیج فارس، دلیل اصلی برای تکمیل این

^۱ - Blanchard

اتحادیه است. از این رو، ترس از بهانه دفع تهدید و مقابله با افزایش نفوذ و توسعه طلبی جمهوری اسلامی ایران در منطقه، کشور بحرین و عربستان سعودی را ترغیب به بستن قراردادهای تسلیحاتی و امنیتی- نظامی و خرید سلاح‌ها توسط کشورهای به ویژه آمریکا، فرانسه، انگلیس کرده است. به گونه‌ای که راهبرد اساسی عربستان در زمینه افزایش قدرت نظامی، خرید تسلیحاتی جدید و تامین مدرن‌ترین تسلیحات از منابع متعدد است و همواره این کشور جزء رتبه‌های نخست در بین کشورهای وارد کننده تسلیحات می‌باشد. (کامروا^۱، ۲۰۱۴) ایران نیز با انجام مانورهای نظامی در خلیج فارس و تنگه هرمز خصوصا بعد از زمزمه‌های تحریم نفتی ایران از سوی کشورهای غربی و حمایت عربستان از این طرح، بر نقش آفرینی و حضور نظامی خود در منطقه تاکید دارد و این رقابت‌های تسلیحاتی بر بروز تنش و تعارضات این دو کشور در منطقه می‌افزاید. (آدمی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۵۶) با توجه به اینکه سیاست خارجی ج.ا. ایران مبتنی بر ایدئولوژی می‌باشد این کشور را دچار نوعی خلاء امنیتی کرده است به همین خاطر سعی بر این داشتند با سرمایه گذاری وسیع در برنامه‌های موشکی و بالا بردن هزینه‌های نظامی خود و برگزاری مانورهای پی در پی از جمله پیامبر اعظم یک، پیامبر اعظم دو و... به این خلاء امنیتی در منطقه به خصوص پس از سال‌های ۲۰۰۵ پاسخ دهند که نوعی موازنه سخت با عربستان و متحدانش محسوب می‌شد. به دلیل ماهیت نظامی این مانورها و همچنین احساس ترس عربستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس از این موضوع، خریده‌های تسلیحاتی کشورهای حاشیه خلیج فارس از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳ به رقم ۴۵۰ میلیارد دلار رسید. (لاموته^۲، ۲۰۱۵) موازنه با ایالات متحده و متحدانش در منطقه هزینه‌های سنگین اقتصادی ناشی از خرید توسعه موشک- های میان‌برد برای ایران در پی داشت. در مقابل خریده‌های تسلیحاتی عربستان هم که از بزرگ- نمایی تهدید ایران ناشی می‌شد، هزینه‌های سنگین اقتصادی برای این کشور در پی داشت. هر چند بیش‌ترین درآمدهای نفتی این کشور صرف تامین امنیت و خرید تسلیحات می‌شود. برای نمونه خرید ۱۶ فروند اف ۱۶، مستقر کردن ۴ فروند اف ۲۲ و راه اندازی سیستم‌های دفاعی

^۱ - Kamrava

^۲ - Lamothe

هوایی از جمله پاترویت بخشی کوچکی از هزینه‌های گزاف آور اقتصادی عربستان در مقابل جمهوری اسلامی ایران را به نمایش می‌گذارد. (سیمبر و رحم دل، ۱۳۹۳: ۱۹)

دلایل تقابل ایران و عربستان براساس موازنه تهدید در کشور بحرین

بحرین دارای نظام پادشاهی مشروطه با جمعیتی در حدود ۱۳۱۵۰۰۰ است. بحرین دولت کوچک جزیره‌ای واقع در نزدیکی قطر و عربستان سعودی و تحت حکومت خانواده آل خلیفه است. اکثر مردم بحرین شیعه هستند، اگر چه سلطنت سنی است. بحرین همچنین دارای یک جمعیت مسیحی که شامل تقریباً ۱۵٪ از جمعیت آن و جمعیت هندو که شامل تقریباً ۱۰٪ است. (کتاب واقعیت جهانی، ۲۰۱۵) صنایع اصلی در بحرین نفت و پالایش آن، ذوب آلومینیوم، پلت آهن، بانکداری و بیمه است. ولی نفت تاثیر قابل توجهی در اقتصاد بحرین دارد، با این حال نفت بحرین دارای "روغن غنی" در مقایسه با کشورهای همسایه برخوردار نیست به همین دلیل می‌توان بحرین را در میان فقیرترین کشورهای خلیج فارس قرار داد. (باسیونی^۱، ۲۰۱۱)

این کشور در عرصه سیاست خارجی و از نظر نظامی و امنیتی، کشوری منفعل است و همین امر باعث دخالت و نفوذ کشورهای خارجی (چه منطقه‌ای و چه فرامنطقه‌ای) در این سرزمین شده است. برای نمونه بیش‌ترین نفوذ در بحرین چه به لحاظ سیاسی و چه نظامی از سوی عربستان سعودی است. با توجه به این امر بحرین از لحاظ ژئوپولیتیکی به عنوان فضای حیاتی عربستان سعودی مطرح است. بنابراین سعودی‌ها بیش‌ترین کمک‌های مالی و اقتصادی را به بحرین ارائه می‌دهند. عربستان با دادن روزانه ۱۰۰ هزار بشکه نفت به بحرین و همچنین با واگذاری چاه‌های نفت «بوسقفه» نفوذ خود را در بحرین حفظ کرده است. علاوه بر این در موارد متعدد به همکاری نظامی با بحرین اقدام کرده‌اند. (رضایی و جهانیان، ۱۳۹۳: ۱۹۳) با این وجود، مردم بحرین به دو دلیل موافق حاکمیت خاندان آل خلیفه نبوده‌اند اول اینکه؛ خاندان آل خلیفه بحرینی نیستند، بلکه از اقلیت سنی مذهب مهاجری هستند که به دنبال اختلاف مذهبی با قبیله (بنی کعب) در زمان ریاست شیخ نصرالله خان بر بحرین، از کویت وارد بحرین شده‌اند. دوم اینکه؛ قدرت گرفتن آل خلیفه به خواست مردم بحرین صورت نگرفته است. (کوشکی و

^۱ - Bassiouni

ناظم پور، ۱۳۸۹: ۱۶۳-۱۶۲) بحرینی‌ها تا سال ۱۹۷۱ تحت حاکمیت نیم بند ایران قرار داشته‌اند و در این سال طی یک سلسله تحولات سیاسی در منطقه و نیز توافق پنهانی آمریکا-ایران و انگلستان به بحرینی‌ها حق تعیین سرنوشت داده شد به طوری که قطعنامه ۲۷۸ شورای امنیت سازمان ملل در سال ۱۹۷۱م، حکم به جدایی بحرین از ایران و استقلال آن کشور داد. اما هویت شیعی و ایرانی اکثریت ساکنان این کشور به همراه اشتراکات فرهنگی، نژادی منبث از تعلق قلمرویی این سرزمین به ایران، موجب گشت تا تحولات بحرین از جایگاه منحصر به فردی در سیاست خارجی ایران برخوردار باشد و علاوه بر آن در کانون توجهات قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار گیرد؛ به طوری که کوچک‌ترین تحول در آن، بازیگران مهم منطقه‌ای و بین‌المللی را به گرفتن موضع و دخالت نظامی وادار کند. (خضری و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۸۸) نوام چامسکی اهمیت بحرین را تحت تاثیر دو عامل می‌داند: الف) موقعیت دیرینه ژئواستراتژیکی، ژئوپلیتیکی، عدم برخورداری از یک سیستم دفاعی قوی و تمایل این کشور به قدرت‌های مثل آمریکا و عربستان سعودی و همچنین برخورداری از موقعیت ژئواستراتژیک که به صورت جزیره‌ای در خلیج فارس واقع شده که همواره از طرف قدرت‌های سازمان‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای مورد توجه قرار داشته است. ب) برخورداری ۷۰ درصدی جمعیت شیعه در این کشور. (توتی و دوست محمدی، ۱۳۹۲: ۲۱۴) شرایط ویژه بحرین، سیاست خارجی عربستان را مجاب به حفظ امنیت و ثبات کشور بحرین می‌کند، از این رو برای ریاض امنیت و ثبات در بحرین به دلایل متعددی دارای اهمیت می‌باشد. پشتیبانی از رژیم آل خلیفه به معنای حمایت از تمامی پادشاهی خلیج فارس و فرستادن پیامی صریح به جمعیت شیعی خویش و کنترل نفوذ ایران در منطقه می‌باشد. «آنتونی کردسمن» در بیان اهمیت امنیت و ثبات بحرین برای ریاض می‌نویسد: «عربستان سعودی پل ملک فهد میان بحرین و سرزمین سعودی را بیش‌تر برای تضمین امنیت این جزیره در برابر شورش‌های داخلی و تهدید ایران ساخت». (احمدیان و زارع، ۱۳۹۰: ۸۹-۸۸)

با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹م، نظام سیاسی مستقلی در تقابل با نظام سلطنتی-وهایی(سلفی) و محافظه کار عربی که خواهان حفظ وضع موجود است، قرار گرفت. به گونه‌ای که انقلاب ایران با ترکیب جمهوریت و اصول‌گرایی شیعی، به نزدیک‌تر شدن هر چه بیش‌تر

عربستان سعودی و آمریکا انجامید که هر دو کشور به طور مشترک نگران گسترش نفوذ ایران در منطقه می‌باشند و سعی در مهار انقلاب اسلامی دارند. از آن جایی که وقوع انقلاب اسلامی باعث هم‌گرایی، تعامل کشورهای اعراب با ایجاد نوعی ایران هراسی شد، ایران و به ویژه عربستان را وارد یک رقابت منطقه‌ای و تضاد واگرایی کرد. بنابراین بحرین یکی از مهم‌ترین منابع تنش‌زا بین ایران و عربستان در دوران بعد از انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. بحرین در نگاه سیاست‌مداران عربستان اهمیت زیادی دارد زیرا خاندان آل خلیفه در واقع عربستانی الاصل هستند و از طرف دیگر شیعیان ایالات شرقی عربستان در نزدیکی بحرین ساکن‌اند. به سبب پیوندهای خویشاوندی و مذهبی، روابط نزدیکی با بحرین دارند. در واقع بحرین حلقه مرتبط دهنده عربستان از طریق خلیج فارس به تنگه هرمز و آب‌های آزاد است و نقش محوری در توازن قوا در منطقه دارد.

حکومت بحرین همواره حضور شیعیان را در پست‌های مهم حکومتی نظیر وزارت دفاع، اطلاعات، وزارت کشور، نمادهای چون شورای عالی دفاع، سازمان ثبت، مالکیت کم رنگ ساخته است. به طوری که شیعیان در این کشور علی‌رغم اینکه بر روی یکی از عظیم‌ترین ذخایر نفتی جهان قرار دارند (منطقه شرقی) اما وضع زندگی ساکنان آنجا با وضع زندگی سایر ساکنان و قبایل عربستان قابل مقایسه نیست. گراهام فولر در این زمینه اذعان می‌کند: ایالات شرقی با داشتن گنجینه‌ای از منابع طبیعی، یکی از فقیرترین مناطق عربستان سعودی است. درست در مقایسه با دیگر مناطق عربستان سعودی هزینه بسیار اندکی را به پروژه‌های ساختمانی، جاده‌ها، بهداشت و تعلیم و تربیت در منطقه شرقی اختصاص داده است. (حسینی و برزگر، ۱۳۹۲: ۵-۴) در همین راستا کسینجر آمریکایی می‌نویسد: که «منبع خطر انقلاب بحرین، ویژگی خاموش نشدنی آن است و خطر انتقال آن به عربستان بسیار نزدیک است. (خضری و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۹۱)

در واقع بحرین اولین کشور جنوب خلیج فارس است که در آن نفت کشف شده است، تاریخ اولین امتیاز نفت به سال ۱۹۳۰ بر می‌گردد ولی استخراج نفت آن در سال ۱۹۳۲ اتفاق افتاد. سازمان شورای همکاری خلیج فارس و پادشاه بحرین (حمد بن عیسی) معتقداند با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از جمعیت بحرین را شیعیان این کشور تشکیل می‌دهند، اگر

انقلابی به سبک انقلاب ایران در این کشور اتفاق افتد این موضوع تمام معادلات را در منطقه به نفع ایران تغییر خواهد داد. عربستان براساس رقابت منطقه‌ای با ایران، حفظ بحرین را مساوی با حفظ جهان عرب می‌داند. به طوری که سقوط رژیم آل خلیفه در بحرین به مثابه شکست و از دست دادن یکی از متحدان دیرین و خوش سلیقه برای حکومت عربستان سعودی قلمداد می‌شد. به همین خاطر آل خلیفه نهایت تلاش خود را از طریق سرکوب مخالفان برای جلوگیری از چنین رخدادی به عمل آورده است. (سلطانی و خورشیدی، ۱۳۹۲: ۱۰) در واقع ایران از خواسته‌های شیعیان به عنوان اکثریت مردم حمایت می‌کند در مقابل عربستان ممانعت از چالش حاکمیت بحرین و قدرت‌یابی شیعیان را خواستار است.

ملک عبدالله در خصوص بحرین گفته بود: «امنیت بحرین و عربستان تقسیم‌ناپذیر و متشکل از دو جسم در یک روح است. (ازغندی و علیخانی، ۱۳۹۲: ۲۳۹) اما متهم شدن ایران به تهدید امنیت بحرین و همکاری اپوزیسیون بحرین با ایران برای سرنگونی حکومت حتی از طرف برخی از چهره‌های رسانه‌ای عربستان رد شد. «عبدالرحمن الرشید» سردبیر سابق الشرق الاوسط و مدیر سابق تلویزیون العربیه در مقاله‌ای بیان داشت: «تمی‌خواهم در نظر کسانی که هر جنبشی را توطئه گونه می‌دانند شریک باشم، زیرا شیعیان بحرین یک گروه ایرانی نیستند و معترضان گروهی از سپاه پاسداران و یا حزب الله لبنان نیستند. کسانی که مشکل را به این تهمت‌ها خلاصه می‌کنند کمکی به فهم مسئله نمی‌کنند». گراهام فولر نیز می‌نویسد: «ریاض امروزه جویای به تصویر کشیدن ایران به عنوان مرکز تهدید نوینی است که علیه پادشاهی عربستان وجود دارد نه به این دلیل که فارس است بلکه بالاتر از آنکه شیعه است. (احمدیان و زارع، ۱۳۹۰: ۹۰-۸۰) در مجموع نگاه ایران به شیعیان مناطق شرقی عربستان نیز نگاهی مبتنی بر حمایت و همزمان حفظ تعادل در روابط با دولت این کشور بوده است. دلیل اصلی این امر در درجه اول، پرهیز ایران از وقوع جنگ فرقه‌ای بین شیعه و سنی می‌باشد. در همین راستا ایران بسیار محتاط است که حضور ارزشی در تحولات منطقه بهانه لازم به دست رژیم‌های منطقه ندهد که جنبش‌های مردمی را به تلاش برای براندازی حکومت با حمایت ایران نسبت دهند. (توتی و دوست محمدی، ۱۳۹۲: ۲۱۹) از این رو ولی نصر معتقد است: «این شیعیان نیستند که باعث افزایش مسایل قوم‌گرایی و فرقه‌گرایی شدند. آنها خواهان کسب قدرت در کشورشان هستند.

واقعیت این است که این تشکیلات و حکومت‌های سنی و تندروهای سنی هستند که مسایل فرقه‌گرایی را علم کرده و آن را تشدید می‌کنند». (پوراحمدی و جمالی، ۱۳۸۸: ۳۷) در مجموع عربستان به دلیل برخورداری از یک نظام سیاسی بسته، اقتدارگرا و محافظه‌کار و ترس از دموکراسی و تسری انقلاب اسلامی به کشور عربستان و حاشیه خلیج فارس به ویژه بحرین و برداشت فرقه‌گرایانه از جنبش مردمی در بحرین و در نهایت رقابت منطقه‌ای با ایران که دارای ساختار سیاسی و انقلابی تغییر وضع موجود است، عاملی بوده که همواره حفظ بحرین را برای خود در حکم حفظ جهان عرب بداند به گونه‌ای که شکست یا پیروزی شیعیان بحرین، حکم شکست یا پیروزی ایران قلمداد بکند. در همین راستا ولی نصر بیان می‌کند: «سعودی‌ها در صدد متحول ساختن تمرکز از دموکراسی به هژمونی ایران می‌باشند. مطرح ساختن خطر ایرانی و اتخاذ گفتمانی فرقه‌ای و مذهبی از سوی عربستان، به ویژه در بحران بحرین و در توجیه مداخله نیروهای سپر جزیره، که بنا بر اساسنامه‌اش در برابر یک تهدید خارجی می‌توانست به مداخله بپردازد. در این کشور کاملا آشکار بود». (احمدیان و زارع، ۱۳۹۰: ۸۷)

تداوم و توسعه دگترین عربستان نسبت به بحرین

دولت بحرین در شرایطی با اعتراضات مردمی روبرو گردید که مردم این کشور با الهام از مردم تونس و مصر و درک این موضوع که خودکامه‌ترین دیکتاتورها نیز در مقابل خواسته و اراده مردم گردن می‌نهند از روزهای یکشنبه و دوشنبه مصادف با ۱۴ و ۱۵ فوریه ۲۰۱۱ به خیابانها آمدند و میدان لؤلؤ شهر منا را به عنوان مکان تجمع خود برگزیدند به طوری که این موضوع نشانه بیداری و ناراضی مردم از نظام حاکم بود. در این میان ضعف اقتصادی و سیاسی و تبعیض‌های مختلف در این کشور موجبات ناراضی مردم از دولت حمد بن عیسی را پس از جرقه سال ۲۰۱۱ در تونس فراهم کرد. اصلاحات اقتصادی و سیاسی که اخیرا در این کشور صورت گرفته است، در جلب رضایت معترضان و عموما شیعیان این کشور با شکست مواجه شده و حکومت مرکزی با توسل به ارتش خود و کشورهای عربستان و امارات متحده عربی همواره به سرکوب معترضان پرداخته است. از آن جایی که ارتش بحرین دوکاربردی است به جای دفاع از مرزها، مسئولیت حفاظت از این رژیم در برابر چالش‌های داخلی و دفاع از کشورشان

در برابر تعهدات خارجی را عهده‌دار هستند. (رضائی و جهانیان، ۱۳۹۳: ۱۸۶) بنابراین موج بیداری اسلامی به بحرین و تلاش عربستان برای مهار این موج با دیگر کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس متفاوت است. این تفاوت متأثر از عواملی همچون ساخت مذهبی-اجتماعی بحرین، قرابت‌های مذهبی و جغرافیایی با ایران و عربستان موقعیت استراتژیک آن به علت میزبانی پایگاه پنجم دریایی امریکا می‌باشد. که همگی اینها نشأت گرفته از سیاست شیعه هراسی غرب و عربستان سعودی برای مقابله هژمونیک با بیداری اسلامی می‌باشد. سعودی‌ها به گونه-ای تحولات را پوشش خبری دادند که این تحولات مطلقاً منشا داخلی ندارد و از طرف دیگر سعودی‌ها بحرین را با برلین مشابه می‌دانند. روزنامه واشنگتن پست می‌نویسد: «اگر آمریکا برلین را از دست می‌داد، هنوز می‌توانست از اروپایی غربی دفاع کند؛ اما خلیج فارس دارای موقعیت قابل قبولی در هرگونه عقب‌نشینی نمی‌باشد. در واقع نتیجه غیرقابل اجتناب عقب‌نشینی غرب از خلیج فارس باعث از بین رفتن نظام بین‌المللی که آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم ایجاد کرده بود، خواهد شد». (پورحسینی و سیفی، ۱۳۹۲: ۱۴۵) عربستان با ترس از رسیدن دومینوی سقوط کشورهای عربی غرب آسیا و شمال آفریقا در عربستان و بحران داخلی این کشور که دنبال آزادی اقشار مختلف عرب به ویژه شیعیان، آماده سخت‌ترین و خشن‌ترین واکنش‌ها در برابر آنچه تهدید ایران می‌خواند است. عربستان به دلایل مختلف در صبح‌گاه ۱۴ مارس ۲۰۱۱ نظامیان خود را در چارچوب نیروهای سپر شبه جزیره که شامل ۱۰۰۰ نیرو عربستانی به همراه ۵۰۰ نیروی اماراتی زیر پرچم شورای همکاری خلیج فارس وارد بحرین کرد. مداخله‌ای که بحران بحرین را به نقطه‌ای نامعلوم و غیر قابل بازگشت رساند. موضع عربستان در قبال خیزش‌های مردمی بحرین مشخصاً ضد انقلابی و انعطاف ناپذیر بوده است. به طوری که نیروهای نظامی و امنیتی عربستان با سکوت نهادهای بین‌المللی و اقدامات متعددی نظیر حفاظت از نهادهای حکومتی، دستگیری مخالفان را برای سرکوب معارضان بحرینی انجام دادند. همچنین دولت بحرین با ممنوع کردن تظاهرات‌ها در ۳۰ اکتبر ۲۰۱۲، شورش‌های مردمی دوباره جان تازه به خود گرفت این تجمعات در روز جمعه، سوم نوامبر ۲۰۱۲ طبق روال گذشته با توسط دستگاه‌های امنیتی و پلیس سرکوب شد. به طوری که امریکا در مقابل این سرکوب سکوت کرده و ظاهراً رژیم آل خلیفه را به انجام اصلاحات سیاسی و گفتگویی ملی دعوت می‌کند. (خانه آزادی،

۲۰۱۵^۱) در این راستا هیلاری کلینتون در سفر ۳ دسامبر ۲۰۱۰ خود به بحرین، گفته بود: «تحت تاثیر تعهد دولت بحرین به مسیر دموکراتیکی که در حال پیمودن آن هستند، قرار گرفته‌ام». باراک اوباما نیز در سخنرانی ۱۹ می ۲۰۱۱ از روابط دیرینه- آمریکا بحرین- و تعهد آمریکا به امنیت بحرین سخن راند؛ او بدون هیچ گونه اشاره‌ای به اشغال بحرین توسط عربستان، ایران را متهم به فرصت طلبی از ناآرامی‌ها در این جزیره کرد. (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱۵-۱۱۶) در یک سخنرانی سال ۲۰۱۳، مشاور وقت امنیت ملی آمریکا سوزان رایس بیان کرد: "بحرین یک شریک طولانی مدت برای ما در منطقه است. به عنوان ناوگان پنجم ما، یک بحرین پایدار از اهمیت استراتژیک زیادی برای ایالات متحده برخوردار است. بنابراین ما از طریق اصول و امنیت در صدد آشتی ملی بین دولت و مخالفان خدمت می‌کنیم. ما به رغم دلسردی از اقدامات هر دو طرف که تنها اختلافات مذهبی باعث تشدید خشونت می‌شود و از طریق اقدامات مشخص، از جمله خودداری و کاهش بخشی از کمک‌های نظامی، از دولت برای لغو محدودیت در جامعه مدنی، درمان اعضای اپوزیسیون با توجه به حاکمیت قانون، و تعامل در فرآیند اصلاح دوجانبه خواسته‌ایم". (رایس^۲، ۲۰۱۳)

علاوه بر سرکوب معترضان، دولت بحرین در بخش رسانه‌ای و اطلاع رسانی نیز بسیار سرکوب‌گرایانه عمل کرده است. حکومت بحرین در این راستا به سانسور کردن شدید رسانه‌های داخلی خود پرداخته است. بی‌توجهی مغرضانه رسانه‌های عربی و غربی به جنبش‌های مردمی بحرین بر مشکلات معترضان افزوده است که این نحوه عملکرد کاملاً متفاوت از عملکرد رسانه‌های جنبش‌های مردمی تونس، مصر و لیبی بوده است. برای نمونه شبکه الجزیره که یکی از مهم‌ترین شبکه‌های عرب می‌باشد، با وجود اینکه تحت سلطه و نفوذ عربستان نیست ولی در مورد بحرین هرگز از خطوط تعیین شده از سوی ریاض فراتر نرفته و کاملاً جهت‌دار به موضوع بحرین پرداخته است. هنری کسینجر نیز معتقد است: «از جمله انقلاب‌هایی که با جدیت می‌توان درباره آن حرف زد ولی غرب برای جلوگیری از نتایج آن توجه کافی نشان نمی‌دهد، اتفاقاتی است که در بحرین در جریان است». (رضایی و جهانیان، ۱۳۹۳: ۱۹۵-۱۹۴) در پایان می‌توان

¹ - freedom house

² - Rice

اصول و اهداف سیاست خارجی عربستان در بحرین را: رهبری جهان اسلام به ویژه کشورهای عربی، وحدت جهان عرب و جلب حمایت آنان در جهت منافع خود، تبلیغ و گسترش وهابیت و جلوگیری از گسترش انقلاب اسلامی و حفظ وضع موجود در منطقه دانست. با توجه به این اهداف عربستان با پافشاری موضع سنتی خود، حفظ وضع موجود و مقابله با قدرت‌های نو - ظهور منطقه‌ای به ویژه انقلاب اسلامی ایران که به دنبال تجدید نظر در ساختار قدرت منطقه‌ای می‌باشد، قرار می‌گیرد و از طرف دیگر عربستان نگران تشابه وضعیت شیعیان بحرین با کشور خود است که در مناطق شرق عربستان حضور دارند. در واقع در عربستان دو گروه از شیعیان سکونت دارند که گروهی از آنان شیعیان اسماعیلی اند که جمعیت شان تقریباً یکصد هزار نفر است که در منطقه تجران واقع در جنوب غربی عربستان زندگی می‌کنند و گروه اصلی این شیعیان امامیه‌اند که جمعیت شان بالغ بر دو تا سه میلیون نفر می‌باشد که در دو استان شرقی عربستان به نام «احساء» و «قطیف» سکونت دارند. عربستان معتقد است که هرگونه تغییر در بحرین منجر به تغییر در عربستان به ویژه مناطق شرقی این کشور به دلیل همگونی‌های موجود بین این دو مناطق خواهد شد زیرا اکثریت آنان با هم خویشاوند و هر تغییری که در کشور بحرین رخ دهد، بر این دو منطقه عربستان تاثیر خواهد گذاشت. (پورحسینی و سیفی، ۱۳۹۲: ۱۴۹-۱۴۸) بنابراین در بحرین اعتراضات شیعیان متأثر از فشارهای ساختاری و تبعیض‌های سیستمیک رژیم آل خلیفه علیه آنها است. در این راستا عربستان خود را به عنوان برادر بزرگتر اهل سنت و منطقه‌ای ایران وارد میدان می‌کند و حفظ بحرین را مساوی با حفظ جهان عرب می‌داند و همواره عربستان بر این تصور است که ناآرامی‌های بحرین یک حرکت فرقه‌گرایانه از سوی شیعیان بحرین علیه نظام سیاسی تحت تفوق اهل سنت و آل خلیفه است. مسئله‌ای که فقط از فیلتر ذهنیت‌های فرقه‌گرا و عصبیت‌گرا در پروسه‌های تصمیم‌گیری در مورد بحرین عبور می‌کند. عربستان تحولات بحرین را در چارچوب ماتریس تعارضات و رقابت‌های منطقه‌ای با ایران می‌بیند و از تحولات خطرناک ژئوپولیتیکی و استراتژیک توسعه نفوذ ایران به شدت نگران است. (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۳۵-۱۳۴) بنابراین ایران همواره از حرکت‌های مردمی بحرین به ویژه شیعیان این کشور حمایت می‌کند ولی در مقابل عربستان با همکاری شورای همکاری خلیج فارس و با کمک متحد خود (آمریکا) در منطقه به شدت مخالف این جنبش‌های

مردمی است زیرا از تسری این جنبش به داخل کشور خود نگران است و همواره بحرین را حیات خلوت خود می‌داند و تحت هیچ شرایطی حاضر به از دست دادن آن نیست. در مجموع عربستان برای حفظ ثبات منطقه؛ جلوگیری از اشاعه این بی‌ثباتی و حرکت‌های مردمی به داخل خاک خود و جلوگیری از نفوذ ایران بر شیعیان بحرین و منطقه و در نهایت حفظ نقش فعال خود در منطقه و ایجاد یک روابط مستحکم با غرب همواره با کمک‌های مالی و نظامی در تحولات بحرین دخالت و معترضان را سرکوب می‌کند. مطابق نظریه موازنه تهدید والت باید گفت شکل‌گیری اتحادها توسط ایران و عربستان در مقابل یکدیگر پاسخی به تهدیدهایی است که این دو کشور از یکدیگر احساس می‌کنند. آنها صرفاً افزایش قدرت منطقه‌ای را مد نظر قرار نمی‌دهند و رفتار شناسی آن‌ها نشان دهنده توزان تهدید این دو کشور در برابر یک دیگر است. در بررسی اتحادهای عربستان و ایران با متحدان دولتی و غیر دولتی خود نیز در می‌یابیم دو عامل اصلی تهدید مشترک و منافع مشترک وجود دارد که به این اتحادها در جنگ‌های نیابتی قوام می‌دهند. (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۴: ۱۹)

نتیجه‌گیری

واقع‌گرایان، دولت‌ها را مجاب به تضمین بقا و امنیت خود می‌کنند و برای افزایش امنیت خود، به کسب و بیشینه‌سازی قدرت در نظام بین‌الملل پایبند می‌کنند تا از این طریق عواملی که در نظام بین‌الملل ممکن است آنها را مورد تهدید قرار دهد را از بین ببرند. عربستان سعودی با حاکمانی فرسوده و متزلزل نیز از این قاعده جدا نیست. این کشور از بدو تاسیس توانسته است با حمایت‌های قدرت‌های غربی با ایجاد درگیری، ترویج تفرقه در منطقه و انجام-های جنگ‌های متعدد نیابتی، مستقیم و حتی ایجاد بحران در منطقه خاورمیانه در تعاملات و مناسبات منطقه‌ای و حتی بین‌المللی تاثیرگذار باشد. این کشور همواره در صدد بوده تا تهدیدات صورت گرفته توسط مخالفانش در خاورمیانه علیه خود را از بین ببرد. با نگاهی واقع‌گرایانه به این کشور و راهبردها و اقدامات آن در برابر تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی خصوصاً تهدیداتی که از سوی کشور ایران برای سعودی‌ها وجود دارد، به ویژه با بررسی و تبیین راهبرد اتحادها در منطقه بر اساس نظریه موازنه تهدید، اهداف و دلایل عربستان از اتخاذ این راهبرد روشن‌تر و قابل فهم‌تر می‌شود. بر این اساس و از این منظر، عربستان به دلیل وجود چهار متغیر تهدیدزا:

قدرت، مجاورت، قابلیت تهاجمی و نیات تهاجمی در صدد برآمد تا با اجرای راهبرد اتحاد با کشورهای منطقه و فرامنطقه و برقراری روابط گسترده امنیتی-سیاسی و نیز روابط اقتصادی و تجاری به موازنه تهدید در برابر ایران بپردازد و از این طریق تهدیدات علیه خود را کاهش داده و امنیت خود را افزایش دهد.

ناسازواری میان انقلاب اسلامی با قدرت‌های غربی موجب شده، عربستان از حمایت‌های بین‌المللی در موازنه سازی خود برخوردار باشد. در دوره‌ای که تحریم‌های ظالمانه بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی تشدید شده بود، عربستان نیز در هم‌سویی با بازیگران عمده بین‌المللی، تهدید بودن جمهوری اسلامی را برجسته می‌کرد. پیش بینی می‌شود عربستان با فرافکنی در آینده نزدیک، می‌کوشد موازنه تهدید را گسترش بدهد. از آنجا که پیش شرط تداوم ائتلاف سازی‌های عربستان، وجود نظام‌های غیردمکراتیک در این کشور و کشورهای همسو با آن در منطقه است؛ با گسترش رسانه‌های نوین جهانی، طبقه متوسط متولد شده در کشورهای نفت خیز عربی، خواهان امتیازات و حقوق سیاسی خواهد شد که در آینده می‌تواند باعث فروپاشی اساس موازنه سازی در کشور عربستان شود.

منابع فارسی

مقالات

- احسان خضری، حمزه صفوی و امین پرهیزکار (۱۳۹۴)، ریشه یابی منازعات ایران و عربستان (مطالعه موردی سه کشور عراق، بحرین و یمن)، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره بیست و سوم، تابستان
- حسن احمدیان، محمد زارع (۱۳۹۰)، استراتژی عربستان سعودی در برابر خیزش‌های جهان عرب، فصلنامه رهنامه سیاست‌گذاری، سال دوم، شماره دوم، تابستان
- حسینعلی توتی، احمد دوست محمدی (۱۳۹۲)، تحولات انقلابی بحرین و بررسی راهبردهای سیاست خارجی ایران در قبال آن، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۳، تابستان
- سریع القلم، محمود (۱۳۷۴) میزگرد شناخت استراتژی آمریکا نسبت به ایران و خاورمیانه. مطالعات خاورمیانه، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژی، شماره ۵
- شهروز ابراهیمی، محمدرضا صالحی و مهدی پارسایی (۱۳۹۱)، بررسی واکنش‌های امریکا و عربستان به بحران بحرین، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی شهر رضا، شماره دهم، بهار
- شیرازی ابوالحسن، حبیب‌الله (۱۳۹۴)، میزان سنجی تاثیر عنصر رقابت بر جنگ‌های نیابتی ایران و عربستان، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره اول، بهار
- رضا سیمبر، رضا رحم دل (۱۳۹۳)، شالوده شکنی جدال‌های امنیتی ایران و عربستان (۲۰۰۱-۲۰۱۴)، فصلنامه روابط بین‌الملل، شماره ۱۴، تابستان
- علیرضا ازغندی، مهدی آقا علیخانی (۱۳۹۲)، بررسی عوامل منطقه‌ای واگرایی در روابط ایران و عربستان (۱۳۹۰-۱۳۸۴)، فصلنامه سیاست، شماره ۲، دوره ۴۳، تابستان
- علی آدمی، محمد رضا موسوی و حسینعلی توتی (۱۳۹۱)، تحولات انقلابی بحرین و تعارضات مذهبی و ژئوپلیتیکی ایران و عربستان سعودی، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره دهم، بهار
- عبدالمجید سیفی، ناصر پور حسن (۱۳۹۵)، موازنه همه جانبه و ائتلاف سازی عربستان سعودی در قبال جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر رضا، شماره بیست و هشتم، بهار

- علائی، حسین (۱۳۹۱)، تحلیل تغییرات موازنه قوا در خاورمیانه در پی قیام‌های مردمی در کشور- های عربی، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و ششم، شماره ۴، زمستان کرمی، کامران (۱۳۹۱)، جایگاه شیعیان و آینده پیش‌رو در عربستان سعودی، در: مجموعه مقالات: ویژه مسائل داخلی عربستان (خاورمیانه ۴)، تهران: ابرار معاصر لیتل، ریچارد (۱۳۸۹)، تحول در نظریه‌های موازنه قوا، ترجمه: غلامعلی چگینی زاده، تهران: ابرار معاصر

- محمد صادق حسینی، ابراهیم برزگر (۱۳۹۲)، نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر عربستان سعودی، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۳، تابستان - مجید عباسی و دیگران (۱۳۹۲)، راهبرد اتحاد پیرامونی رژیم صهیونیستی و نظریه موازنه تهدید در روابط بین الملل، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هفتم، شماره ۱، بهار - مسعود رضائی، شهاب جهانیان (۱۳۹۳)، انقلاب بحرین، بیداری اسلامی و علل ناکامی آن، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی، سال یازدهم، شماره ۳۶، بهار، ۱۸۳ - محمد صادق کوشکی، مریم ناظم پور (۱۳۸۹)، بررسی چالش‌ها و موانع درونی دموکراسی در خاورمیانه با تأکید بر کشور بحرین، فصلنامه سیاسی و بین المللی، شماره پنجم، زمستان - محمد موسوی، رامین بخشی تلپانی (۱۳۹۱)، تأثیر مسایل ایدئولوژیک بر سیاست خارجی عربستان در قبال ایران از سال ۲۰۰۳ به بعد، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۱۱، تابستان

- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۹)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سمت - ناصر پورحسین، عبدالمجید سیفی (۱۳۹۲)، عربستان و رویارویی هژمونیک با بیداری اسلامی در حوزه خلیج فارس (بررسی موردی: بحرین)، فصلنامه علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره شصت و دوم، تابستان - ناصر سلطانی، ناصر خورشیدی (۱۳۹۲)، تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا و درک سیاست خارجی آمریکا؛ با تأکید بر تحولات بحرین و سوریه، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هفتم، شماره ۴، زمستان

منابع انگلیسی

- Bassiouni, Mahmud C (2011), **Report on the Bahrain Independent Commission of Inquiry**. Bahrain Independent Commission of Inquiry

- Blanchard, Christopher (2014), **Saudi Arabia: Background and U.S. Relations**. Congressional Research Service. Accessed October 21
- Freedom House (2015), **Freedom in the World 2015**
- Kamrava, M (2014), **Mediation and Saudi Foreign Policy**. Orbis
- Jervis, Robert (2008), **Cooperation under the Security Dilemma, in: Richard K. Betts, Conflict after the Cold War**, Argument on Causes of War and Peace. New York: Columbia University, third edition
- Rice, Susan (2013), **Human Rights: Advancing American Interests and Values**. The White House.
- SABRI CIFTIC and , TEZCUR GUNES MURAT (2015), **soft power, religion and anti-americanism in the middle east**, foreign policy analysis. Democracy
- The World Factbook (2015), **Washington. D.C.: Central Intelligence Agency Library**.
- Walt, Stephen M. (1987), **The Origins of Alliances**, Ithaca, NY: Cornell University press.
- Walt, Stephen M.(2000), **Alliances: balancing and bandwagoning**. International Politics: Enduring Concepts and Contemporary Issues

Articles

- GUZANSKY, YOELL(2015) , **the foreign policy tools of small power: strategic hedging in the Persian gulf**. middle east policy ,vol19, issue1
- Walt, Stephen M. (1988), **Testing Theories of Alliance Formation: the case of southwest Asia**, International Organization,42(2)

Site

- Lamothe, David (2015), **How U.S. Weapons will play a huge role in Saudi Arabia's war in Yemen**. The New York Times. Web